

جمعه 17 آذر 1396 - 19 ربیع الاول 1439 - 8 دسامبر 2017

آغاز تأسیس "تهران جدید" در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (1246 ش)



آغاز تأسیس "تهران جدید" در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (1246 ش)

با آغاز سلسله قاجاریه، تهران به عنوان پایتخت کشور، معرفی شد و پادشاهان در آن، اقامت داشتند. این روال بیش از هفتاد سال ادامه یافت تا این که در بیست و یکمین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، بر اثر فزونی جمعیت، وی تصمیم گرفت که شهر را وسعت داده و شهری با نام خود در کنار تهران قدیم یا عتیق بنا کند. از این رو، در این روز برابر با یازدهم شعبان 1284 ق کنگ توسعه تهران و احداث شهر جدید با نام دارالخلافه ناصری را به زمین زد و از این پس، تهران به این نام خوانده می‌شد. بدین ترتیب، شهر تهران از اطراف توسعه یافت و خندق‌های در جهات مختلف ایجاد گردید. همچنین در هر طرف شهر، سه دروازه با شکل‌های زیبای مشرق زمینی و کاشی کاری و مناره کوچک ساخته شد و شهر، وسعت یافت. بلوای نان در تهران و توقیف روزنامه‌ها (1321 ش)

پس از روی کار آمدن قوام به نخست‌وزیری، با وجود تشکیل وزارت خواروبار و تخصیص اعتبار برای خرید گندم و آرد، وضع نان نه تنها بهبود نیافت بلکه روز به روز بدتر و نان نامرغوب‌تری تحویل مردم می‌شد. از بامداد روز هفدهم آذر 1321 ش، به علت فشار زندگی، نبودن مایحتاج اولیه و پایین بودن دستمزدها، عده زیادی از دانش‌آموزان و دانشجویان به طرف میدان بهارستان حرکت کردند. در همان حال که فریاد "نان می‌خواهیم" آنها در طول مسیر طنین‌انداز بود، عده زیادی از مردم و دانش‌آموزان در میدان بهارستان اجتماع نموده و ناگهان به مجلس هجوم بردند. پس از ضرب و شتم نمایندگان، میز و صندلی و تابلوهای مجلس را شکسته و عده‌ای از مهاجمان، اموال مجلس را غارت کردند. به دنبال آن بازار تهران تعطیل شد و برخی از مردم به چپاول مغازه‌های خیابان‌ها پرداختند. فرماندار نظامی تهران برکنار گردید و سپهد امیراحمدی با اختیارات کامل منصوب گردید و به دستور او به روی مردم آتش گشوده شد و عده زیادی کشته و زخمی شدند. در همین روز، خانه نخست وزیر به آتش کشیده شد و احمد قوام دستور توقیف کلیه روزنامه‌ها و مجلات را صادر کرد. این آشوب، تهران را از حالت عادی خارج نمود. حوادثی که در بلوای نان در تهران اتفاق افتاد نشان می‌دهد که بسیاری از حرکات، سازمان یافته و از قبل طراحی شده بوده است و نمی‌توان تمام آن را خودانگیخته دانست. در این حوادث، دست پنهان عده‌ای خاص و حتی شاه و دربار برای تحت فشار قرار دادن قوام دیده می‌شود. مرگ "هلاکوخان" ایلخان خونخوار مغول (663 ق)

در عهد مغول، شعبه‌ای از این خاندان در ایران دارای یک سلسله‌ای پادشاهی شد که آن را سلسله‌ای ایلخانان یعنی خان‌های محلی می‌گویند. مؤسس این سلسله، هلاکوخان مغول، برادر منگوقاآن است. هلاکو در آغاز ورود به ایران، قصد براندازی فرقه‌ای اسماعیلیه را کرد و پس از تصرف قلعه‌های این گروه، رکن‌الدین خورشاه، آخرین شاه اسماعیلی را در 655 ق گشت. سپس با هدف تسخیر بغداد پایتخت خلافت عباسی، راهی این شهر شد و پس از قتل عام بسیار و کشتار هزاران نفر از مردم و غارت پایتخت عباسیان، خلیفه‌ای عباسی را به قتل رساند. با قتل المستعصم بالله، در ماه صفر 656 ق، دولت پانصد ساله‌ای بنی‌عباس نیز منقرض گشت. از آن پس، شام را تصرف نمود و ولایات آن را غارت کرد. در نهایت، در حالی که هلاکو قصد داشت بر مصر بتازد و شکست سردار خود را در این کشور جبران کند، در آذربایجان به دیار نیستی رفت و در 48 سالگی پس از عمری جنایت و کشتارهای وحشتناک، مُرد. سقوط حاکمان نظامی در ژاپن و آغاز انقلاب سفید اجتماعی این کشور (1868 م)

شوگون‌ها یا حاکمان نظامی یکی از دهه‌ها خاندان قدرت‌مند در ژاپن بودند که دیکتاتوری خود را از قرن دوازدهم بر ژاپن حاکم کردند. در آن زمان علی‌رغم وجود دربار حکومتی، قدرت واقعی در اختیار شوگون‌ها بود. با گذشت زمان، حکومت در میان شوگون‌ها و موروئی شد و این خاندان با کسب قدرت فراوان، نفوذ گسترده‌ای در دربار ژاپن پیدا کرد، سرانجام با روی کار آمدن موتسو هیتو امپراتور مقتدر ژاپن، در سال 1867، حکومت شوگون‌ها سرنگون شد و از هشتم دسامبر 1868 م اصلاحات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این کشور آغاز شد. در حقیقت پایه و اساس ژاپن جدید و پیشرفته در این زمان گذاشته شد. ژاپنی‌ها دوران نوین‌سازی را آغاز کردند. در این مسیر، ژاپنی‌ها غرب را به عنوان الگو قرار دادند و با بهره‌گیری از روش آموزش و پرورش و علوم و ارتباطات غربی توانستند به سرعت به یک کشور صنعتی و نظامی تبدیل شوند. با این همه، بسیاری از ژاپنی‌ها، در عین حال، به آداب و رسوم خود پای‌بند مانده‌اند.